



شکوفایی حکمت صوفیانه ابن عربی در قرن هفتم هجری*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پایان جامع علوم انسانی

قرنه شاهکار ابن عربی یعنی «فصوص الحکم» توسط تمام سلاسل حکما و اولیا اسلام از زمان وی تاکنون گویاترین نشانه این تأثیر است. ۳- بروز و ظهور سه دسته از دانشمندان اسلامی تحت تأثیر اندیشه‌های ابن عربی یعنی صوفیان برجسته عصر وی، متکلمین شیعه و مفسران و شارحان بلاواسطه وی.

مؤلف سپس از میان دسته اول به صوفیان برجسته‌ای چون جلال‌الدین رومی و تأثیر وی در جهان اسلام، عزیز نسفی، سعدالدین حمویه، علاءالدوله سمنانی - که منتقد ابن عربی هم هست - عراقی، شیخ محمود شبستری و دیگران می‌پردازد.

درخصوص متکلمین شیعه، مؤلف معتقد است که اینان تعالیم ابن عربی را در ساختار اعتقادی دوازده امامی خود، وارد کردند و تلفیق فکری عصر صفویه که در آن بخش معظم ایران شیعه شد، حاصل آن است. وی سپس از میان این متأثرین به سیدحیدر آملی، ابن ترکه، ابن ابی‌جمهور، نویسندگان اسماعیلی و در نهایت ملاصدرا و کار سترگ وی که فلسفه مشاء و اشراق را با عرفان ابن عربی درآمیخت اشاره کرده،

○ نویسنده: دکتر سیدحسین نصر

○ ترجمه و تحقیق: محمدهادی امینی
چکیده:

مقاله حاضر ترجمه و تحقیق فصل هفتم از کتاب "Living Sufism" اثر دکتر سیدحسین نصر است.^۱ این مقاله که عنوان «تصوف قرن هفتم و مکتب ابن عربی» دارد، بر آن است تا خواننده را با عصر ابن عربی، قرن هفتم هـ. (سیزدهم میلادی)، که غلبه تصوف در آن سبب نفوذ نیروهای معنوی در اوج خود گشت و نیز با مکتب ابن عربی و متأثرین از وی آشنا سازد.

ویژگی‌های این دوره از نظر مؤلف:

۱- تأسیس مکتب ابن عربی که بسیاری از جریانات مختلف معنوی را متحد ساخت.

۲- فراهم شدن مناسب‌ترین زمینه برای رشد عقاید ابن عربی در سرزمین‌های شرقی اسلام که حوادث برجسته معنوی و عقلی در آنها در این عصر نتیجه گسترش این تعالیم و عقاید بود. شرح و تفسیر هفت



کتاب
کتابخانه

مرحله‌ای در تاریخ اسلام در طول قرن هفتم ه. ق (سیزدهم میلادی) قرنی که گواه بر وجود حیاتی به غایت معنوی و یادآور عصر خود پیامبر بوده، قابل مشاهده است. کافی است تا به قله‌های اوج تصوف این دوره نظیر «ابن عربی»، صدرالدین قونوی، جلال‌الدین رومی و نجم‌الدین کبری^۱ و کل مکتب آسیای مرکزی اندیشید تا به سرشت این فصل شگفت‌آور تاریخ اسلام به ویژه «تصوف» پی برد. از مهم‌ترین ویژگی‌های این عصر، تأسیس «مکتب ابن عربی»^۲ بود که به بخش مهمی از تصوف جلوه‌ نوینی بخشید، بسیاری از جریانات مختلف معنوی را متحد ساخت و اساس بسیاری از پیشرفت‌های بعدی آن قرار گرفت. گسترش تعالیم ابن‌عربی در سرزمین‌های شرقی اسلام، بدون شک یکی از حوادث برجسته معنوی و عقلی این عصر است.

در سرزمین‌های شرقی «اسلام»، تعالیم ابن‌عربی مناسب‌ترین زمینه را برای رشد بعدی خود پیدا کرد. در اینجا بود که آموزه‌های وی نه تنها زبان عرفان نظری را دگرگون ساخت که بر الهیات و حکمت یا فلسفه سنتی نیز تأثیر نهاد. مدت هفت قرن تمام سلاسل حکما و اولیاء بر آثار وی شرح نوشتند و شاهکار وی «فصوص‌الحکم»^۳ تا به امروز در محافل دینی سنتی و نیز در مجامع صوفیه و عرفا تعلیم داده می‌شود.^۴ با تقسیم‌بندی متأثرین از تعالیم ابن‌عربی در چند طبقه متمایز می‌توان گسترش تعالیم وی را در این سرزمین‌های شرقی و به ویژه در «ایران»^۵ به بهترین نحوی مورد مطالعه قرار داد. پیش از همه، خود صوفیان مشهور قرار دارند که بسیاری از آنها خود اساتید زبان فارسی نیز بوده، عناصری از تعالیم «محبی‌الدین» را به اشکال مختلف می‌توان در آثار آنان دید. «جلال‌الدین رومی» بزرگترین شاعر فارسی زبان اهل طریقت که در جهان ترک زبان و نیز در شبه قاره هند و پاکستان نیز صاحب نفوذ بود، خود از طریق صدرالدین قونوی، شاگرد ابن‌عربی و دوست و مصاحب نزدیک رومی، با ابن‌عربی مربوط است. بعضی «مثنوی» را «فتوحات» به شعر فارسی خوانده‌اند. شک نیست که در حوزه‌هایی بین این دو استاد سرآمد عرفان اسلامی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. اما باید این را نیز به خاطر داشت که «رومی» نماینده صورت و شکل دیگری از تصوف است که مکمل طریقه و شکل خاص تصوف ابن‌عربی است، نه اینکه صرفاً مأخوذ از آن باشد.

پس از «رومی»، دیگر نویسندگان مشهور اهل طریقت نظیر «عزیز نسفی»^۶ و «سعدالدین حمویه»، گرچه به «مکتب آسیای مرکزی نجم‌الدین کبری» تعلق دارند، دین عمیقی نسبت به شروح نظری عقاید ابن‌عربی احساس می‌کنند. حتی «علاءالدوله سمنانی» که برخی از اقوال ابن‌عربی را به نقادی کشید، خود متأثر از او بود.^۷ در بین شعرای برجسته اهل طریقت این عصر، در حالی که برخی نظیر «حافظ» و «سعدی» از زبان و تصاویر خیالی «سنایی»، «عطار» و «رومی» پیروی کردند و یا در حالی که از زبان رمزی / کنایی مشابهی استفاده می‌کردند، ابعاد جدیدی در همان چارچوب بدان افزودند، دیگران به تعالیم ابن‌عربی روگردان و آنها را در عالی‌ترین مضامین نظم و نثر فارسی تشریح کردند. «لمعات فخرالدین عراقی»^۸، یکی از شاگردان صدرالدین قونوی، به



تأثیر وی را بر شاگردانش یادآور می‌گردد.

از دسته سوم، مهم‌تر از همه در سرزمین‌های شرقی، از صدرالدین قونوی، شاگرد ابن‌عربی یاد کرده و پس از ذکر آثار وی و شرحش بر «فصوص‌الحکم» به شروح دیگری چون شرح کاشانی، قیصری، علی همدانی، علاءالدوله سمنانی و جامی بر «فصوص‌الحکم» اشاره می‌کند. سپس سنت تعلیم و شرح‌نویسی بر فصوص را تا زمان ما با ذکر مشایخ سرآمد هر عصر پی می‌گیرد.

مباحث دخیل: صوفیان قرن هفتم، متکلمین شیعه، شارحان و مفسران ابن‌عربی، اندیشه عقلی در قرن هفتم، ملاصدرا و شاگردانش تا عصر حاضر.

تصوف قرن هفتم و مکتب ابن‌عربی

دوره حیاتی یک سنت دینی به گونه‌ای است که در بعضی از مراحل بعدی آن نوعی بازگشت به عصر طلایی آغازین وجود دارد. عصری که نفوذ نیروهای معنوی در آن در بالاترین حد خود بوده و سنت نزدیک‌ترین دسترسی را با منبع آسمانی خود داشته است. چنین

ویژه آنگونه که «جامی»^{۱۱} در «اشعةاللمعات» به شرح آن پرداخته، نمونه‌ای کامل از این دست است. همانطور که اشعار «وحدالدین کرمانی» و «گلشن راز» محمود شبستری نیز چنین هستند. این کتاب که حاوی نکات اصلی همه عقاید اهل طریقت به شیوه «محبی‌الدین» است در ایبانی زیبا و آسمانی سروده شده که میراث مشترک همه فارسی زبانان گشته است و در پاکستان و در میان مسلمانان هند نیز بسیار مشهور است. علاوه بر این «شیخ محمد لاهیجی»^{۱۲}، مشهورترین مفسر «گلشن‌راز» و یکی از بنیانگذاران «طریقه صوفیه نوبخشیه»^{۱۳}، خود عمیقاً تحت تأثیر شیخ الاکبر - لقبی که ابن عربی در شرق بدان معروف است - بود. «شاه نعمت‌الله ولی»^{۱۴}، شیخ بزرگ دیگری از صوفیه ایران و بنیانگذار «طریقه صوفیه نعمت‌اللهی»^{۱۵}، که امروزه گسترده‌ترین طریقه در ایران با شاخه‌هایی در پاکستان و دیگر سرزمین‌های مسلمان‌نشین است، «فصوص» را به زبان فارسی ترجمه کرد. شاه نعمت‌الله در اشعار زیر آشکارا به ارتباط خود با ابن عربی اقرار می‌کند:

کلمات فصوص در دل ما

چون نگین در مقام خود بنشست

از رسول خدا رسید به او

باز از او به روح ما پیوست^{۱۶}

برای نشان دادن ارتباط عمیق ابن عربی و بانفوذترین شیخ صوفیه در تاریخ اخیر ایران، گواهی روشن‌تر از این نیاز نیست. شاعر بزرگ، «عبدالرحمن جامی» که در انتشار تعالیم ابن عربی تلاش بسیاری نمود^{۱۷}، به همین طبقه از شعراء و شیوخ اهل طریقت متعلق است. او با شروعی که بر آثار «شیخ اکبر» نوشت، با تألیف آثار جدید مبتنی بر تعالیم نظری ابن عربی و با تصنیفات شعری مستقل خود، بر معاصرین و نسل‌های بعدی صوفیه فارسی زبان، تأثیر بسیار زیادی نهاد. سرمشق وی را شعرای متأخری نظیر «صفایی اصفهانی» شاعر برجسته اهل طریقت که فقط به دو قرن قبل تعلق داشت و عمیقاً متبحر در «فصوص» و نوشته‌های «صدرالدین قونوی» بود و نیز برخی از زیباترین اشعار عرفانی فارسی قرن اخیر را سروده است، پی گرفته‌اند.

دومین طبقه متأثر از تعالیم «ابن عربی»، متکلمین «شیعه» هستند که با وارد کردن تعالیم وی در ساختار اعتقادی دوازده امامی زمینه را برای پدید آمدن تلفیق فکری «عصر صوفیه» که به موجب آن بخش اعظم ایران، شیعه شد، فراهم ساختند. موضوع ارتباط نظریات «ابن عربی و عرفان شیعی» که با چنین سهولتی با آن عرفان تلفیق شد، امری است که رسیدگی و تفحص دقیقی می‌طلبد.^{۱۸} بلافاصله پس از انتشار تعالیم «ابن عربی» وی در بین متکلمین و عرفای شیعی پیروانی چون «سید حیدرآملی»^{۱۹} که حتی شرحی نیز بر «فصوص» نگاشت^{۲۰}، ابن ترکه که «تمهیدالقواعد»^{۲۱} وی مقدمه‌ای بر فصوص است و شرح مهمی نیز بر این نوشته است، و «ابن ابی جمهور» که در کتاب «المجلی» خود منعکس‌کننده بسیاری از نظریات «شیخ الاکبر» است، پیدا کرد.

همچنین می‌باید از نفوذ «ابن عربی» بر نویسندگان «اسماعیلی» که بسیاری از آنها، گرچه وطن بعدی‌شان هند بود، به فارسی می‌نوشتند، یاد کرد. تا به امروز پرخواننده‌ترین تفسیر «قرآن کریم» در میان «اسماعیلیه» تفسیر منسوب به «ابن عربی» است، که «اسماعیلیه» به گونه‌ای تعجب‌آور وی را به خود منسوب داشته‌اند. مجموعه نویسندگان «فارسی‌نویس» اسماعیلی در طی قرون هفتم ه. ق / سیزدهم میلادی و هشتم ه. ق / چهاردهم میلادی، و تا زمانی که اسماعیلیان در

«ایران» فعالیت زیرزمینی آغاز کردند، یکی از با ارزش‌ترین و ساعی‌ترین گسترش‌دهندگان تعالیم «ابن عربی» در جهان اسلام به شمار می‌روند. با ظهور «صوفیه» رنسانی در فلسفه اسلامی در ایران صورت پذیرفت، که نقطه اوج آن ظهور صدرالدین شیرازی یا «ملاصدرا» است. این حکیم بزرگ با ترکیب «فلسفه مشائی»^{۲۲} و نظریات «شراقی»^{۲۳} با عرفان، ابن عربی، موفق به خلق چشم‌انداز عقلی جدید و مکتبی شد که تا به امروز در ایران زنده و باقی است.^{۲۴} ملاصدرا عمیقاً متأثر از تعالیم «ابن عربی» بود. مهمترین اثر وی، «اسفار» مشحون از نقل عبارات «فصوص» بوده، بخصوص در نظریات مربوط به قوای روح و معادشناسی، نظریات «شیخ الاکبر» را منعکس می‌سازد.

گراف نیست اگر گفته شود که در بسیاری از محافل و به ویژه در مکاتب رسمی دینی ایران، در طول این چند قرن گذشته، عقاید ابن عربی عمدتاً از طریق آثار «ملاصدرا» و شاگردان وی نظیر «ملانیم طالقانی، ملاعلی نوری، حاج ملاهادی سبزواری»^{۲۵}، ملاعلی زنوری، آقا محمدرضا قمشه‌ای^{۲۶} شناخته شده است. با این وجود نقش «ابن عربی» در تأسیس این مکتب مهم «حکمت»، جنبه‌ای دیگر و در واقع یکی از مهمترین جنبه‌های نفوذ و تأثیر وی در سرزمین‌های شرقی جهان «اسلام» به شمار می‌رود.

و سرانجام می‌باید به نقش مفسران و شارحان بلاواسطه آثار «ابن عربی» که وارثین بلافصل وی و ادامه‌دهندگان تعالیم وی بشمار می‌روند، توجه کرد. در میان این چهره‌ها، تا آنجا که به عموم سرزمین‌های شرقی «اسلام» و بخصوص «ایران» مربوط می‌شود، مهمتر از همه «صدرالدین قونوی» شاگرد و پسر خوانده اهل «قونیه» ابن عربی است که تعالیم شیخ از طریق وی به این سرزمین‌ها رسید.^{۲۷} «قونوی» که خود شیخ بزرگی از اهل طریقت بود، علاوه بر تألیف آثار مستقلی نظیر «نصوص، فکوک و مفتاح الغیب» که همراه با شرح «حمزه فناری» بر آن به نام «مصباح الانس» در ایران پیشرفته‌ترین متن فلسفی صوفیه به شمار می‌رود،^{۲۸} به شرح و تفسیر آثار «شیخ الاکبر» نیز پرداخت. در ایران «شرح قونوی» بر فصوص همراه با شروح «عبدالرزاق کاشانی» و داوود قیصری^{۲۹} در بالاترین سطح نسبت به شروح دیگر ارزیابی می‌گردد. گرچه شروح متعدد دیگری بر فصوص چه به عربی و چه به فارسی و نیز ترکی نوشته شده است، شروح «علی همدانی، علاءالدوله سمنانی و شرح مشهور جامی»^{۳۰} از نقطه نظر زبان فارسی، اهمیت ویژه داشته‌اند. این شروح در سطحی پایین‌تر از سه شرح فوق‌الذکر قرار دارند و در موارد بسیاری، مثلاً در مورد شرح «جامی» مأخوذ از آن شروح به حساب می‌آیند. در حقیقت «کاشانی و قیصری» پس از «قونوی»، مهمترین مبلغین نظریات ابن عربی در شرق هستند، قیصری به دلیل شرح مهمی که با مقدمه مستقلی، حاوی یک دوره کامل متافیزیک^{۳۱} اهل طریقت، آغاز می‌گردد و «کاشانی» به خاطر شرح خود و نیز کتاب «تأویل القرآن» و بسیاری از آثار مشهور دیگر راجع به شروح قابل ذکر دیگر فصوص، نظیر شروح «بالی افندی» و «نابلسی» و نیز آثار «شعرانی» که در روشن ساختن تعالیم «ابن عربی» نقش داشته‌اند باید گفت گرچه اینها در جهان عرب مشهور گردیده‌اند، ولی در «شرق» تعداد خیلی آنها را می‌شناسند و هرگز در «ایران، پاکستان و هند» به اندازه شروعی که در بالا ذکر شده، شهرت نداشته‌اند و مورد توجه نبوده‌اند.

سنت تعلیم و شرح‌نویسی بر فصوص و دیگر آثار «ابن عربی» در



خلال دوران «عثمانی، صفوی و مغول» و حتی پس از آن و تا به امروز ادامه یافته است. گرچه تاریخ تفصیلی آن به هیچ وجه روشن نیست. در ایران شیوخی نظیر «ملاحسن لبنانی، میرسیدحسن طالقانی، ملاجعفر آبادی، سیدرضی مازندرانی و میرزاهاشم رشتی» که بعضی از شاگردانش در قید حیاتند، ظاهر شدند که دوره‌ای از زمان یعنی قرن یازدهم ه. ق / ۱۷م و دوازدهم ه. ق / ۱۸م را به امروز می‌پیوندد. به همین ترتیب شارحان «عرب»، «ترک»، «هند و پاکستانی» بسیاری ظاهر شدند که قسمت اعظم آثار آنان هنوز به درستی مورد مطالعه قرار نگرفته است.^{۳۳} شروخی در چین، مالایا و اندونزی وجود داشته است که از شروح شناخته شده‌تر در ایران و جهان عرب مأخوذ بوده‌اند. بسیاری از شیوخی که بر فصوص شرح نوشته‌اند، آن را در حلقات «مدرسه» و یا در محافل خصوصی در خانه خود، درس هم داده‌اند و بعضی نیز شروخی بر آثار «صدرالدین قونیوی» نگاشته‌اند. علاوه بر این، اینان سبب انتقال شفاهی یک سنت متافیزیکی بوده‌اند که در هر تسلی برداشت جدید خود آنها و دیگر شیوخ از حقایق معنوی، که حاصل سلوک شیوه‌های معنوی باطن‌گرایی اسلامی است، بدان شادابی و جوانی بخشیده است. همه این گروه‌هایی که به اجمال در اینجا نام برده شدند، نماینده جنبه‌های مختلف گسترش تعالیم «ابن عربی» در ایران و دیگر سرزمین‌های شرقی جهان اسلام می‌باشند. تعالیم «شیخ اکبر» در تمام سرزمین‌های اسلامی منتشر شد و ثمرات معنوی با عطر و طعم گوناگون در هر سرزمینی با خود به همراه داشت. این تعالیم به جزء اصلی آن مجموعه عظیم متافیزیک و عرفان اهل طریقت، که پرتو خود را در اشکال و الوان گوناگون بر تمام سرزمین‌های تشکیل‌دهنده «دارالاسلام» افکنده است، تبدیل شدند و این مکتب «اهل طریقت»، جزء اصلی و ماندگار حیات فکری این جهان، که در آن جریان‌هایی گوناگون در همین بافت فکری و روحانی تا به امروز می‌توان سراغ گرفت، به شمار می‌رود.^{۳۳}

پی‌نوشت‌ها:

۱. عنوان اصلی مقاله «Seventh century sufism and the school of Ibn Arabi» (تصوف قرن هفتم و مکتب ابن عربی) بوده که مترجم به جهت دلالت بیشتر، ترجمه عنوان مقاله را تغییر داده است.

۲. ابوبکر محمدبن علی بن محمدبن عبدالله بن حاتم طائی، در شب دوشنبه هفدهم ماه مبارک رمضان سنه ۵۶۰ هجری قمری برابر با بیست و هشتم ژوئیه سال ۱۲۶۵ میلادی در بلد «مرسیه» از بلاد اندلس در خانواده‌ی جاه و جلال و زهد و تقوی متولد شد. دخول وی به طریق تصوف، قصداً و رسماً در ۲۱ سالگی در سال ۵۸۰ در شهر اشبیلیه رخ داده است (دکتر محسن جهانگیری، محیی‌الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، ص ۱)

۳. صدرالدین محمدبن اسحق قونیوی متوفی ۶۷۳، ربیب ابن عربی، شاگرد برازنده خلیفه و نماینده برجسته عرفان وی در مشرق زمین بوده است. به شهادت شاهد وارد و صادقی چون عبدالرحمان جامی فهم درست مقصود شیخ از وحدت وجود که اصل اصیل و رکن رکن عرفان وی است، جز به تتبع تحقیقات صدرالدین امکان نمی‌یابد. او کتاب‌هایی چون «تاویل سوره الفاتحه، مفتاح الغیب، نصوص، فکوک، شرح الحدیث، و به زبان فارسی «تبصره المبتدی» و «المفاوضات» را تألیف کرد که همه در شرح و بیان و تقریر و تحقیق تصوف و عرفان استادش ابن عربی

است و شاگردانی چون مؤیدالدین جندی، فخرالدین عراقی، عقیف‌الدین تلمسانی و سعدالدین فرغانی تربیت کرد. (همان - صص ۴۲۴-۴۲۷، به تلخیص و اختصار)

۴. شیخ نجم‌الدین احمدبن محمد بن عبدالله خویقی (شهیه ۶۱۸) در وجه تسمیه «کبری» برای شیخ روایاتی هست از جمله این که به سبب زیرکی بسیار که داشت استادش او را «طامة الکبری» خواند و بعدها چنانچه علاءالدوله سمنانی نقل کرده، مردم او را به همین سبب نجم‌الدین کبری می‌خواندند. (دکتر عبدالحسین زرین کوب، دنباله جستجو در تصوف ایران، ص ۸۲)

۵. درخصوص طریقت و سلسله ابن عربی، دکتر زرین کوب، چنین آورده‌اند: «با آنکه خود شیخ و حتی شاگردانش بلافصل وی ظاهراً سلسله خاصی به نام او بوجود نیاوردند - طریقه محیی‌الدین و صدرالدین از طریق شرح و تعلیم نشر شده است، نه از طریق تلقین ذکر و الزام چله و اعتکاف که شیوه سلاسل طریقت بوده است - مکتب ابن عربی و تعلیم او در مسایل مربوط به وحدت وجود، فیض اقدس و فیض مقدس، مسأله ولایت، مسأله انسان کامل، مسأله وحدت جوهری ادیان و نظایر آنها، مخصوصاً بوسیله شاگرد دست پرورده‌اش صدرالدین قونیوی در بین صوفیه تدریجاً انتشار قابل ملاحظه‌ای یافت. (دنباله جستجو، ص ۱۲۰).
۶. باعث تأسف است که تا به امروز هیچ ترجمه کاملاً رضایت‌بخشی از این اثر به زبان انگلیسی موجود نیست، گرچه ترجمه‌ای بسیار عالی از بخش‌های اساسی آن همراه با یادداشت‌های درخشان به زبان فرانسه تألیف T.Burchkardt تحت عنوان:

Lasagesse des prophetes, Paris, ۱۹۹۵ در دست است.

- در سبب تألیف کتاب «فصوص‌الحکم» آورده‌اند: در دهه آخر محرم سال ۶۲۷ در شهر دمشق پیغمبر (ص) در مبشره‌ای که کتاب فصوص‌الحکم را به دست داشته، ظاهر می‌شود و ابن عربی را به نگارش آن کتاب امر می‌فرماید تا مردم از آن بهره‌مند گردند... از عبارت ابن عربی که آورده است: «فقال لی هذا کتاب فصوص‌الحکم خذ و اخرج به الی الناس ینتفعون به» استفاده می‌شود که اواخر این کتاب را فصوص‌الحکم نام نهاده است بلکه از پیش نام آن در نزد خداوند این بوده و یا پیامبر آن را بدین نام نامیده است. «فص» به معنای نگین انگشتری، زبده و خلاصه شئی است... پس اشاره به این دارد که این کتاب خلاصه حکم و اسراری است که به ارواح انبیاء مذکور در آن نازل گردیده است. (دکتر محسن جهانگیری، محیی‌الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، ص ۸۰ به نقل از شرح فصوص قیصری).

۷. به اثر سیدحسن نصر تحت عنوان "Three Muslim Sagess PP: ۱۱۸ff" و نیز اثر هانری کرین تحت عنوان: "Creative Imagination in the sufism of Ibn'Arabi," Translated by R.Manheim, London, ۱۹۶۹,

Chapter I

مراجعه کنید به کتاب اول تحت عنوان «سه حکیم مسلمان» توسط آقای احمد آرام به فارسی ترجمه شده و ابتدا در سال ۱۳۴۵ در تبریز و سپس در سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴ در تهران و به همت شرکت سهامی جیبی منتشر شده است.

۸. این تمایز باید صورت پذیرد زیرا بخش معظمی از نوشته‌های درخصوص صوفیه در هندوستان نیز به زبان فارسی است. بخصوص آن بخش که به کشمکش‌های این دوره درباره «وحدت وجود» ابن عربی و



و «وحدت شهود» سمنانی مربوط می‌شود. موضوعات مورد بحث در این منازعات، بعدها موضوع بحث در نوشته‌های «شیخ احمد سرهندی» و دیگران شد.

موضوع منازعات فوق‌الذکر مربوط به اعتراضی است که «احمد بن محمد بیابانکی» (۷۳۶-۶۵۹) ملقب به رکن‌الدین، مکنی به ابوالمکارم و معروف به «علاءالدوله سمنانی» از سالکان و عارفان بزرگ ایرانی اسلامی با وجود تعظیم و تکریم از ابن عربی و اعتراف به مقام ولایتش نسبت به عقیده وحدت وجود وی دارد و این سخن وی را که حق را «وجود مطلق» گفته ناروا دانسته و در حواشی خود بر فتوحات در مواضع مختلف بر آن عقیده و این سخن خرده گرفته است. گرچه مقصود ابن عربی در جمیع عباراتش که دلالت بر وحدت وجود دارد، در واقع همان است که در «فتوحات» نوشته است: «فهو (حق) عین کل شیء فی الظهور ماهو عین الاشياء فی ثواتها بل هو هو الاشياء اشياء» و این مطلب مورد تأیید علاءالدوله هم هست و در حاشیه آن نگاشته است: «بلی. اصبت فکن ثابتاً علی هذا القول».

۹. عزیزالدین نسفی، عارف وحدت وجودی و آگاه به اصطلاحات ابن عربی که اصطلاح «الانسان الکامل» را از ابن عربی آموخته و به کار برده است و در مجموعه‌ای از رسالاتش که آنها را «الانسان الکامل» نامیده، به ذکر اوصاف او پرداخته است. رسایل نسفی (کتاب‌الانسان الکامل) به تصحیح و مقدمه فرانسوی «ماریزان موله» در تهران به سال ۱۹۶۲ به طبع رسیده است. (دکتر محسن جهانگیری، محیی‌الدین ابن عربی، چهره برجسته عرفان اسلامی - ص ۴۳۵)

۱۰. درخصوص این چهره‌های برجسته تصوف به مطالعات فراوان «هانری کرین» به ویژه آنها که در «Eranos - Jahbuch» آمده است، مراجعه کنید. نیز نگاه کنید به

M.M.Mole's introduction and notes to Nasafi's
Le livre de l'homme parfait, Tehran-P aris, ۱۹۶۲.
و اثر دیگر وی تحت عنوان:

"Les kubrawiya entre sunnisme et chiisme aux
VIIIe et IXe sie'cles de l'he'gire" Revue des
Etudes Islamiques, Vol ۲۹, ۱۹۶۱, pp:۶۱

گزارش خلاصه‌ای در خصوص نفوذ ابن عربی در شرق نیز توسط
M.Mole' در اثر وی تحت عنوان

"Les mystiques numsulmans.", Paris, ۱۹۶۵,
pp:۱۰۰ff
داده شده است.

۱۱. فخرالدین ابراهیم همدانی مشهور به «عراقی»، متوفی ۶۸۶ یا ۶۸۸ از شاگردان قونیوی و از پیروان ابن عربی بود. «لمعات» وی عصاره و خلاصه «فصوص» است. عبدالرحمن جامی در اشعاع‌اللمعات - شرح لمعات - گفته است که عراقی آن را به سبب اشتغال بر لمعه‌ای چند از حقایق «لمعات» نام کرده است. روش «لمعات» عراقی، روش سوانح (تألیف احمد غزالی برادر حجة‌الاسلام غزالی) و محتوایش محتوای فصوص است. (دکتر محسن جهانگیری، محیی‌الدین ابن عربی، چهره برجسته عرفان اسلامی - صص ۴۲۷-۴۲۸)

۱۲. نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۹۸-۸۱۲)، از شاعران پرمایه نویسندگان پرکار، عالمان جامع که در رشته‌ها و شاخه‌های متنوع علوم و معارف زمان خود به زبان فارسی و عربی آثار گوناگون از خود به یادگار

گذاشته است. در زمینه ادبیات، «بهارستان»، «منشآت»، «مثنوی هفت اورنگ» در زمینه تفسیر، تفسیر قرآن تا آیه «وایای فارهبون» (سوره بقره). در زمینه حدیث، اربعین یا ترجمه چهل حدیث و در زمینه‌های مختلف دیگر کتب دیگر دارد... او از صوفیان سرشناس و عارفان پرشور و شوق وحدت وجودی است و از پیروان و شیفتگان ابن عربی (مأخذ بالا - ص ۴۳۴)

۱۳. شمس‌الدین محمد بن یحیی بن علی گیلانی لاهیجی (متوفی ۸۶۹)، شارح گلشن راز، از مشاهیر سلسله توربخشیه و به روایتی اعظم و افضل و اکمل خلفای سیدمحمد نوربخش است و صاحب شرح گلشن راز، موسوم به «مفاتیح الاعجاز» (و دکتر محسن جهانگیری، محیی‌الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، ص ۴۵۲)

۱۴. سلسله نوربخشیه از فرق صوفیه منسوب به محمدبن عبدالله موسوی خراسانی (۸۶۹-۷۹۵) مشهور به نوربخش است. پیروان این طریقت نیز از تصوف ابن عربی متابعت کرده‌اند. (همان، ص ۴۵۲، متن و پاورقی)

۱۵. طریقه نعمت‌اللہی: این طریقه که از طریقه‌های بسیار مهم و معروف و تصوف و نخستین طریقه تصوف شیعه است، از تصوف ابن عربی، در نظر و عمل الهام گرفته است. شاه نعمت‌الله ولی، از ارکان مشایخ این سلسله، از جمله معتقدان به ابن عربی و شارحان کتب وی بوده است. (همان ص ۴۵۲)

۱۶. «رساله ابیات فصول الحکم» در مجموعه رسایل «رضوان معارف الالهیة» تهران به نقل از اثر حمید فرزام بنام:

Relation de Hafiz et Chah Val' Revue de la
Faculte' des letters d'Ispahan, ۱۳۴۵ (۱۹۶۶)
No.۲-۳, p۲.

۱۷. به اثر «محمد اسماعیل مبلغ» تحت عنوان: Jami Wa
Ibn'Arabi, Kabul, ۱۳۴۳ (۱۹۴۶) نگاه کنید.

۱۸. «هانری کرین» از نقطه نظر خاص باطن‌گرایی «شیعی» این مسأله را تا حدودی موردتوجه قرار داده است. با در نظر گرفتن این حقیقت که «ابن عربی» به اعتراف خود فردی سنی مذهب بود و معذالک به غایت عزیز و موردعلاقه عرفای «شیعی» شد، تحقیق جامع‌تری می‌باید صورت پذیرد تا جایگاه نظریات «ابن عربی» را در ارتباط با کل ساختار «شیعه» و بطور کلی «اسلام» روشن سازد.

۱۹. سیدحیدر آملی (۷۸۷-۷۲۰ یا ۷۱۹) از منتقدان ابن عربی است که در خصوص ولایت از وی شدیداً انتقاد کرده است اما با این وجود از تابعان ابن عربی و شارحان آثار و مروجان افکار اوست. در ترویج افکار وی کتبی چون «جامع الاسرار و منبع الانوار» و رساله نقد التقود فی معرفة الوجود» پرداخته است. (دکتر محسن جهانگیری، محیی‌الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، ص ۴۳۲)

۲۰. آثار سید حیدر آملی امروزه مورد مطالعه و تحقیق «هانری کرین» واقع شده‌اند. به اثر اخیر او تحت عنوان:

Sayyed Haydar Amoli (VIIe / XIeV Siecle)
theologien shiite du soufisme, Melanges Henri
Masse, Tehran, ۱۹۶۳, pp: ۷۲-۱۰۱.

و به ویژه مقدمه وی بر کتاب «جامع الاسرار» آملی که توسط وی و «عثمان یحیی» تحت عنوان:

La Philosophie Shi'ite', Tehran-Paris, ۱۹۶۹



منتشر شده است، مراجعه کنید. شرح سید حیدرآملی بر فصوص، «نص الفصوص» نام دارد. (نقل از مأخذ بالا ص ۴۲۲)

۲۱. تمهیدالقواعد: شرح کتاب «قواعد» تألیف ابوحامد محمد اسفهرانی است که او نیز از تابعان و شارحان ابن عربی است. «ابن ترکه» در این اثر به تقریر اصول و قواعد عرفان ابن عربی و به ویژه اصل و قاعده اساسی آن «وحدت وجود» پرداخته است. این کتاب که از کتب محکم و معتبر عرفان نظری است، سالیان دراز در ایران از کتب درسی به شمار آمده و استادان توانا و صاحب‌نظری نظیر «سیدرضی لاریجانی» و عارف نامدار «آقا محمدرضا قمشه‌ای» و «آقا میرزا هاشم گیلانی» به تدریس آن اهتمام ورزیده و آنان نیز به این وسیله اندیشه و عرفان ابن عربی را نشر و گسترش داده‌اند. (دکتر محسن جهانگیری، محیی‌الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، صص ۲۴۳-۲۴۲) ۲۲. Peripatetic Philosophy یا حکمت مشاء، نام روشی فکری عقلی، مقابل اشراق - در باب وجه تسمیه مشاء گویند، چون ارسطو تعلیم خود را در ضمن گردش افاضه می‌کرد، پیروان او را مشائی می‌گویند... و می‌گویند چون آنان برای کشف حقیقت متوسل به تعقل می‌شوند و فکر را به کار می‌انداختند، آنان را مشاء گفتند (دهخدا - لغت نامه)

۲۳. Ishraqi or Illuminationist doctrines یا حکمت اشراق، حکمتی است که مبتنی بر تابش و اشراق است و حکمتی است غیر رسمی در برابر حکمت رسمی. حکمت اهل خطاب است در برابر حکمت اهل بحث، حکمت ایمانی است در برابر حکمت یونانی. خود شیخ شهاب گوید: «من وسایل حکمت ذوقی را ابتدا از راه یافت و کشف و شهود بدست آوردم و سپس در جستجوی برهان و دلیل برآمدم که برعکس»، (دکتر سیدجعفر سجادی، شهاب‌الدین سهروردی و سیری در فلسفه اشراق، صص ۱۹-۲۷)

۲۴. درخصوص ملاصدرا نگاه کنید به:

H. Corbin (ed), Leliver des Penetrations metaphysiques of Sadra'Idin Shirazi, Tehran-Paris, ۱۹۶۴, Introduction. S.H. Nasr, Islamic studies, Part III

و نیز (این اثر تحت عنوان «دراسات اسلامی» به عربی نیز ترجمه گشته است. به بخش تألیفات مؤلف - شماره ۸ مراجعه کنید)

۲۵. حاج ملاهادی ابن حاج مهدی، عالمی است عامل و حکیمی است کامل از اعظام فلاسفه و حکمای اسلامی اواخر قرن سیزدهم هجرت، نمونه آثار وی «اسرارالحکم» به پارسی، غررالفرائد یا منظومه حکمت معروف به منظومه سبزواری به عربی است. (دهخدا - لغت نامه).

۲۶. آخرین فرد شاخص از پیروان و شارحان و ناشران و استادان عرفان ابن عربی در ایران اسلامی است. وی فلسفه را از «ملا محمد جعفر لاهیجی» شارح مشاعر ملاصدرا و میرزا حسن پسر آخوند ملاعلی نوری آموخت و عرفان را از «سیدرضی لاریجانی» فرا گرفت... تخصص وی در فن عرفان و به ویژه عرفان وحدت وجودی ابن عربی است. از شاگردان به نام او «میرزا هاشم اشکوری» است که تالی تلوی استاد بوده است. (دکتر محسن جهانگیری، محیی‌الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی، ص ۴۳۷)

۲۷. جهت فهم اندازه تأثیر و نفوذ ابن عربی در ایران، کافی است که بدانیم بر طبق آنچه توسط «عثمان یحیی» بدست آمده، از میان نزدیک

به یکصد و پنجاه شرح شناخته شده بر «فصوص» حدود یکصد و بیست شرح آن توسط ایرانیان و دیگر مردم این منطقه نوشته شده است. در خصوص این شروح به مأخذ زیر مراجعه کنید:

O. Yahya, La Classification de l'oeuvre d'Ibn'Arabi, Vol. I Damascus, ۱۹۶۴. PP۲۴۷ ff.

۲۸. حقیقتاً عجیب است که در خصوص این شیخ برجسته صوفیه که تأثیر وی بدین پایه گسترده بوده است، مطالعات بسیار کمی صورت پذیرفته است.

۲۹. داوود بن محمود بن محمد رومی قیصری ساوی، (در گذشته ۷۵۱ هـ. ق) در تصوف مرید «عبدالرزاق کاشانی» و شاگرد وی بوده است. وی فصوص ابن عربی را شرح کرده است. علاوه بر این مقدمه‌ای نیز بر شرح فصوص خود نوشته به نام مطلع خصوص الکلم فی معانی فصوص الحکم. (دنباله جستجو در تصرف زرین کوب، ص ۱۳۳).

۳۰. ملاحظات و تعلیمات جامی در باب فصوص الحکم که مخصوصاً به عنوان نقدالنصوص معروف است، در فهم مقاصد ابن عربی و طرز تلقی صوفیه خراسان و ماوراءالنهر از تعلیم او اهمیت دارد. کتاب «نقدالنصوص» را جامی چنان که از خاتمه آن بر می‌آید، در سال ۸۶۳ به پایان آورده است و از مختصات این تعلیقات آن است که غالباً در تقریر و تبیین مقاصد ابن عربی به مناسبت اشعار فارسی از خود و دیگران نقل می‌کند که بدون شک در نشر این آراء در شعر فارسی بعد از جامی باید تأثیر قابل ملاحظه‌ای کرده باشد. (دکتر عبدالحسین زرین کوب، دنباله جستجو در تصوف ایران، ص ۱۵۷)

۳۱. به اثر زیر «آشتیانی، سیدجلال‌الدین، شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحکم، با مقدمه فرانسوی و انگلیسی هنری کرین (پروفیسور در سربن) و دکتر سید حسن نصر (استاد دانشگاه تهران)، چاپ (محرم الحرام ۱۳۸۵) که به همت مطبعه دانشگاه مشهد به سرمایه کتابفروشی باستان به طبع رسیده است و شرح فارسی استادانه‌ای بر مقدمه قیصری است مراجعه کنید. مقدمه سیدجلال‌الدین آشتیانی بر این اثر، علاوه بر این، دربردارنده بحث عالمانه‌ای در مورد شرح خود قیصری در شروح دیگر بر فصوص می‌باشد.

۳۲. «سید جلال‌الدین آشتیانی» در تدارک تهیه شرحی دوجلدی بر خود «فصوص» است که در مقدمه آن بررسی دقیقی بر روی همه شروح مهم انجام گرفته و ویژگی‌های هریک برشمرده شده است.

۳۳. در مورد شارحانی که نامشان تا بدینجا آمد به دو اثر زیر می‌توان مراجعه نمود:

الف - صدوقی سها، منوچهر، حکما و علماء متأخرین صدرالمتألهین، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۹ تهران

ب - دکتر جهانگیری، محسن، محیی‌الدین ابن عربی چهره برجسته عرفان اسلامی.

* این مقاله قسمتی از کتاب «Living sufism» دکتر سید حسین نصر به نام «seventh century school of Ibn Arabi» است

